

## تغییر مفهوم خانواده از ازدواج سفید تا همجنسگرایی

با نگاهی بر سبک زندگی، آسیب‌ها و چالش‌ها

الهه جعفری

### چکیده

تا قبل از قرن بیستم میلادی، مفهوم خانواده در غرب به شکل متداول بود و خانواده متشکل از پدر و مادر و فرزندان با کارکردهای تعریف شده و بر اساس قراردادهای سنتی شکل می‌گرفت. به تدریج به دلیل پیدایش عواملی چند، تحولاتی در شکل خانواده پدیدار گشت. تغییر سبک زندگی در غرب و مفهوم خانواده از ازدواج سفید شروع و به قانونی شدن ازدواج هم‌جنسگراها در غرب رواج یافت. امروزه کشورهای غربی و مدعی حقوق بشر با بکارگیری از کلمه خانواده‌ها به جای خانواده در قوانین بین‌المللی سعی می‌کنند تا ازدواج همجنسگرایان را به رسمیت بشناسند و به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نیز تعمیم دهند. بی‌گمان مواجهه این نگرش و فرهنگ با فرهنگ جامعه ایرانی و اسلامی سبب ایجاد تحولاتی در سبک زندگی مردم ایران شده است و بحران هویتی و ارزشی در سبک زندگی ایرانی پدیدار گشته است و فرهنگ ازدواج و

تشکیل خانواده را با تغییراتی رو به رو کرده است. مقاله حاضر با هدف تبیین و بررسی مفهوم سبک زندگی، تعریف خانواده از منظر فقه اسلام و قوانین ایران و مقایسه آن با جایگاه خانواده و انواع آن در غرب به نگارش درآمد و با نگاهی آسیب شناسانه درصدد تأکید بر برتری خانواده اسلامی در زمینه سبک زندگی می باشد.

کلیدواژه: سبک زندگی، ازدواج سفید، همجنسگرایی، خانواده، حقوق بشر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

خانواده، نهادی مقدس است که می‌تواند بهترین مکان برای آسایش و آرامش جسم و روان آدمی باشد. خانواده، سنگ بنای جامعه و سازمان نظام‌یافته اجتماعی است که در همه جوامع ارزش و اهمیت بسیار دارد. نخستین و پایدارترین نهاد انسانی و بخشی کوچک و مؤثر از جامعه است که عناصر آن بر یکدیگر اثرگذارند. هر بحرانی که اجتماع را فرا گیرد، خانواده نیز از آن تأثیر می‌گیرد و در مقابل، هرگاه خانواده گرفتار تزلزل و کاستی شود، آینده جامعه نیز به خطر می‌افتد. البته هرچه بنیان اخلاقی و معنوی خانواده محکم‌تر باشد، بحران‌های احتمالی جامعه، کمتر متوجه آن می‌شود. بنابراین، نقش خانواده در حیات اجتماعی انسان‌ها، انکارناپذیر است. (ناظم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴)

خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است؛ زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می‌شود. بنابراین در نگاه اسلام، آلودگی‌های درونی بدتر از زشتی‌های بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد - که همان خانواده است - از این ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعف‌ها نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی عشق و محبت می‌توان به دشوارترین مقصودها رسید. (صدر طباطبایی، ۱۳۸۰)

استواری و تحکیم روابط خانوادگی، نقش مؤثر و مثبتی در بهبود روابط اجتماعی و کم شدن مشکلات جامعه دارد و اساساً برای تحقق یک جامعه پویا و

معنوی، پیش از هر چیز باید خانواده‌های سالم و معنوی داشته باشیم؛ زیرا اجتماع سالم، در گرو خانواده‌های سالم است. خانواده‌ای که هریک اعضای آن جایگاه خاصی دارند و چنانچه هر عضو وظایف مربوط به خود را به درستی انجام دهد، خانواده بهترین و امن‌ترین نقطه دنیا خواهد بود؛ چراکه یک خانواده معتدل و سالم، می‌تواند افرادی را تربیت کند که در آینده وارد اجتماع می‌شوند و سرمنشاء بیشترین تعاملات و ارتباطات مختلف اجتماعی، به دوران ابتدایی زندگی و کانون خانواده مربوط می‌شود. فلذا آنچه مهم است اینکه اعضای یک خانواده همانند قطعات پازل، در کنار یکدیگر و در رابطه‌ای تنگاتنگ، می‌توانند تصویری کامل و زیبا را بیافرینند. مسلماً اگر قطعات به درستی کنار یکدیگر چیده نشوند، نه تنها کارکرد ندارند، بلکه ایجاد کژکارکرد خواهند داشت. (ناظم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۸)

امروزه ساختار خانواده در جوامع غربی، دچار تغییرات فراوانی گشته است، ما شاهد پدیده‌های بدیع و نوظهوری از انواع خانواده‌ها در غرب از ازدواج سفید، ازدواج با حیوانات و اخیراً همجنسگرایی که به شدت رواج یافته و با حمایت قانونی این جوامع واقع گردیده است، هستیم.

ازدواج و تشکیل خانواده در ایران نیز به پیروی از سبک زندگی غربی دستخوش تغییراتی شده است و خانواده‌های ایرانی با چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی و روانی زیادی روبرو گردیده‌اند. بررسی علت این تغییر و تحولات را بسیار مهم باید دانست و یادآور شد که سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد، هر چند غرب توانسته ابزارهای زیادی را به وجود آورد، اما نتوانسته انسان تربیت کند.

لذا به جهت اهمیت موضوع خانواده و سبک زندگی و مقابله با ورود سبک



زندگی غربی به فرهنگ و جامعه ایران اسلامی مقایسه این دو نوع فرهنگ و تفاوت نوع نگاه به خانواده با توجه به آسیب‌ها و چالش‌هایی که در آینده خانواده‌های ایرانی قرار دارد، لازم می‌نماید. بر این اساس مقاله حاضر با هدف پاسخگویی به این سوال که دلایل برتری سبک زندگی اسلامی بر سبک زندگی غربی چیست؟ و چرا باید از فروپاشی نظام خانواده جلوگیری کرد؟ بر آن است تا ضمن تبیین و بررسی مفهوم سبک زندگی و خانواده از منظر اسلام و غرب با نگاهی آسیب‌شناسانه چالش‌ها و مشکلات به وجود آمده از پدید آمدن انواع خانواده در غرب را بیان کنیم.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱ سبک زندگی

جهت تبیین و درک هرچه بهتر مباحث آشنایی با برخی اصطلاحات و مفاهیم لازم می‌نماید. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند، به وجود آمده است. تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش

به‌طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند.

مفهوم سبک زندگی (life style) از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره‌ای از واقعیت‌های فرهنگی جامعه آن را مطرح و به کار می‌برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی معتقدند که این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و می‌تواند به نحو دقیق‌تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد و حتی برخی اندیشمندان به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت را مطرح کرده‌اند. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. (بابایی، ۱۳۹۲: ۲۷)

در تعریف مفهومی سبک زندگی، گیدنز معتقد است: «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم

می‌سازد. شیوه زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است». پی‌یر بوردیو، «سبک زندگی» را به معنای «سلیقه‌ها یا عادت‌واره‌ها»، به کار می‌برد. عادت‌واره‌ها اصول تکثیرگر رفتارهای متمایز و متمایزکننده‌اند. اسلوبی که عبارت است از مجموعه وحدت‌گرایی از انتخاب‌ها که اشخاص، اموال و افعال خاصی را بر موارد دیگر ترجیح می‌دهند. سوئل، سبک زندگی را عبارت از «هر شیوه‌ی متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن» می‌داند. چنانی به تعریف فوق این نکته را می‌افزاید که «این شیوه زیستن باید میان تعداد کثیری از مردم عمومیت داشته باشد». (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۱: ۲۲)

### ۱-۲ سبک زندگی اسلامی

منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایش‌ها، تمایلات، رفتار، باورها و ارزش‌ها و مجموعه برداشت‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی و سیاسی فرد یا جامعه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل بدان‌ها پایه‌ریزی شود، به گونه‌ای که این سبک بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد.

در سبک زندگی اسلامی تنها عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد هم مورد سنجش قرار می‌گیرد، اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی و ... فقط به رفتار نگاه می‌شود، اما در اسلام در عین تأکید روی رفتار به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد. (خوشفر، محمدی‌نیا، ۱۳۹۳)



## ۲. سازمان ملل و جامعه دگرباشان جنسی

بعد از چند دهه که عباراتی مانند «تمایل جنسی» و «هویت جنسی» به ندرت در ملاقات‌های رسمی بین دولت‌ها در سازمان ملل بیان می‌شد، بحث و مذاکره در مورد حقوق افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی (دگرباشان جنسی) در شورای حقوق بشر در ژنو آغاز شد. مذاکرات شورا از منظر سیاسی توجه‌ها را بر قوانین و اعمال تبعیض‌آمیز در سطح ملی متمرکز ساخت و بر التزام دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، برای ذکر این مسایل از طریق قانون‌گذاری و معیارهای دیگر تأکید کرد. در ژوئن ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل، قطعنامه ۱۷/۱۹ را تصویب کرد که اولین قطعنامه سازمان ملل در مورد مسئله حقوق بشر، گرایش و هویت جنسی است. قطعنامه با کمترین آرا تصویب شد، ولی به طور چشم‌گیری حمایت اعضای شورا را در تمامی مناطق جغرافیایی جهان کسب کرد. تصویب این قطعنامه راه را برای اولین گزارش رسمی سازمان ملل در همین موضوع هموار ساخت و گزارشی توسط دفتر کمیسر عالی حقوق بشر آماده ارائه شد. دبیر کل وقت سازمان ملل، بان کی مون نیز خشونت و تبعیض علیه دگرباشان جنسی را «یک تراژدی بی‌اندازه هولناک برای آنانی که تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند و لکه‌ای بر وجدان جمعی ما» خواند. او همچنین تأکید کرد که این موضوع، تخطی از قوانین بین‌المللی حقوق بشر است. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲: ۷)

## ۳. تشکیل خانواده و ازدواج

در بین نهادهای اجتماعی، «خانواده» کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که در نخستین شکل خود ازدواج یک مرد و یک زن آغاز می‌شود. تعریف عام و شایع





از خانواده این است که خانواده از پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده است. (موسوی پور، ۱۳۹۱)

شاید به نظر برسد که مفهوم «خانواده» از مفاهیمی بسیار روشن و همه فهم است، به گونه‌ای که عامه مردم، اعم از کوچک و بزرگ و باسواد و بی‌سواد، همه آن را می‌فهمند و نیازی به تعریف آن نیست، ولی آن قدرها ساده هم نیست. وقتی به منابع واژه‌شناسی مراجعه کنیم، می‌بینیم تعاریف گوناگونی از آن شده و صاحب‌نظران بر اساس تخصص و نیازشان، هر کدام تعریفی از «خانواده» ارائه داده‌اند. برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی و همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند، عده‌ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی نیز عوامل روانی و جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند. به هر صورت، همان‌گونه که از منابع دیگر هم برمی‌آید، منظور از «خانواده» در این گفتار، مجموعه‌ای از افرادی است که یکجا در کنار هم زندگی می‌کنند و معیار همزیستی و همبستگی آن‌ها دو چیز است: قرابت یا زوجیت. بنابراین، خانواده‌های والدینی، تک والدینی یا بدون والدین یا برادران و خواهرانی که با هم زندگی می‌کنند نیز مشمول این بحث خواهند بود. (احسانی، ۱۳۸۹: ۳۲)

#### ۴. رویکرد اسلام به خانواده

نگرش اسلام به خانواده برعکس مکاتب و دیدگاه‌های غیراسلامی که نگاهی تک‌بعدی است، بسیار عمیق و همه‌جانبه است و تمام ابعاد آن از آغاز تا انتها، در همه مراحل مورد توجه بوده و در هر مورد دستورات لازم ارائه گردیده است. نحله‌های غیردینی، خانواده را از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌دهند، به ویژه دانش‌های علمی امروز دانشگاه‌ها بر اساس نیاز خود به تجزیه و تحلیل خانواده

می‌پردازند و به دیگر ابعاد آن توجه چندانی ندارند، غافل از اینکه خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، در تمامی عرصه‌های زندگی بشر حضور دارد و باید به جوانب گوناگون آن پرداخت. به نظر می‌رسد این مسئله نقدی است بر همه دانش‌های علمی که از آن‌ها نام برده شد. اما اسلام همان‌گونه که گفته شد، نگاهی همه‌جانبه به نهاد خانواده دارد و آن را از زاویه‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است. وقتی به متون اسلامی، به خصوص آیات و روایات مراجعه کنیم، در همه زمینه‌ها به دستوراتی برمی‌خوریم که از همه جهات به تحکیم نهاد خانواده پرداخته است. قرآن کریم و احادیث اسلامی در مسائل اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی و اقتصادی خانواده فراوان سخن گفته‌اند. اگر این مضامین به صورت دقیق و تخصصی استخراج و با یافته‌های علوم جدید منطبق گردند، تحول عظیمی در دانش خانواده به وجود خواهد آمد. آن‌قدر که اسلام به تحکیم بنیان خانواده اهمیت داده و در دستورات خود گام به گام آن را دنبال نموده است، مکتب‌های دیگر به استقرار خانواده بها نداده‌اند. اسلام پیش از همه، می‌خواهد یک فضای عاطفی و محبت‌آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد. خانواده‌ای از منظر اسلام خوش‌بخت است که دوستی، صداقت و وفاداری بر فضای آن حاکم باشد؛ زیرا با اختلاف، بدبینی و خودمحوری، شیرازه خانواده از هم می‌پاشد. خدای متعال ایجاد محبت و همدلی بین زن و شوهر را از نشانه‌های خود دانسته، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۹) یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان بیارامید و میان شما و همسرانتان مودت و رحمت برقرار ساخت.

براساس بینش اسلامی، پیوند میان زن و مرد فراتر از یک گزینه بوده، منشأ فطری و الهی دارد که از سرشت آدمی ناشی می‌شود. دستگاه عظیم خلقت چنان زوجین را به هم علاقه‌مند ساخته است که حاضرند برای رفاه حال دیگری، رنج و زحمت را به جان خود بخرند تا همسر در آسایش زندگی کند. آفریدگار بشر کاری کرده است که خودخواهی و تکروی در محیط خانواده به خدمت و همکاری تبدیل شود. وقتی زن و مرد عقد همسری بستند و قرار گذاشتند که یک عمر با هم زندگی کنند، خود به خود عواطف خاصی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند. این گونه روابط عاطفی بین آن دو، هم در تکوین و هم در تشریح مورد نظر پروردگار است و هدف خداوند این است که بین زن و شوهر، مهر و محبت برقرار باشد تا در کنار هم احساس امنیت و آرامش نمایند. از این نظر، قوی‌ترین عامل دوام و رشد خانواده، «عاطفه» و محبت اعضای آن به همدیگر است و همه وظیفه دارند این عامل را تقویت کنند؛ به ویژه مرد خانواده، که سرپرستی اعضای خانواده را به عهده دارد، باید فضای همدلی و همکاری را در محیط خانواده پدید آورد و اگر احیاناً نارسایی یا کدورتی بین آن‌ها پدید آمد، بلافاصله به چاره و درمان آن پردازد. به قول شهید مطهری، اگر علاقه زن به شوهر از بین رفت، خانواده به صورت بیمار نیمه جان در می‌آید و اگر علاقه شوهر به زن خاموش شد، مرگ حیات خانوادگی فرامی‌رسد. (احسانی، ۱۳۸۹: ۱۸)

## ۵. آثار ازدواج و تشکیل خانواده

ازدواج و علاقه جنسی زن و مرد با وجود هدف‌های عالی که بیان شد، دارای فواید و نتایج فراوانی است.

### ۱-۵ کسب استقلال

طبیعت هر انسانی این است که اگر در زمانی در کنار پدر و مادر زندگی تبعی داشتند، حال از طریق ازدواج به استقلال رسیده و زندگی جدیدی را آغاز کنند. در این زندگی جدید، پسر و دختر، زن و شوهر می‌شوند، واحد کوچک اجتماعی را تشکیل می‌دهند، مسئولیت‌پذیر شده و به استقلال می‌رسند، زندگی هدفدار پیدا کرده و محصول کسب و کارشان به خانواده جدید تعلق می‌گیرد.

### ۲-۵ انس و آرامش

از دیگر طبیعت‌های انسانی، وجود انس و الفت است. تنها زندگی کردن بسیار دشوار است بلکه در مقابل انسان به خاطر وجود ناآرامی‌ها، غم‌ها، سختی‌ها و اموری از این دست به یک همدم امین و وفادار نیازمند است تا با او انس گرفته و خود را از طریق رازداری‌ها، دلجویی‌ها و غمخواری‌ها آرامش بخشد. بهترین فردی که می‌تواند این نیاز طبیعی را تأمین کند، همسر است. امام رضا(ع) می‌فرماید: «ما افاد عبداً خيراً من زوجة صالحه اذا رآها سرّته و اذا غاب عنها حفظته فی نفسها و مالها». بندگان خدا به فایده‌ای بهتر از همسر شایسته دست نمی‌یابند مگر وقتی که همسرش را می‌بینند شادمانش گرداند و در غیاب او از خودش و مالش محافظت نماید.

### ۳-۵ حفظ عفت و مصونیت از گناه

غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند انسانی است. اگر این غریزه از طریق ازدواج در مسیر طبیعی خویش قرار گیرد، انسان از گناه و انحراف مصون خواهد ماند و یکی از فضائل اصلی انسان که عفت باشد، تحصیل خواهد شد. رسول خدا(ص) فرمودند: هرکسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است. هرکس که می‌خواهد خدا را پاکیزه ملاقات کند، باید ازدواج کند. به وسیله ازدواج می‌توان چشم و دامن را از گناه بازداشت.

### ۴-۵ آرامش و تعادل اعصاب

علاوه بر اینکه ازدواج روح انسان را آرام می‌سازد در تعادل سلسله‌های عصبی جسم انسان نیز تأثیرگذار است. ارضای صحیح غریزه جنسی برای سلامت جسمانی انسانی ضرورت دارد و عدم ارضای صحیح آن امراضی از قبیل: ضعف اعصاب، اضطراب، افسردگی، یأس، دلمرده گی، دلهره، تشنج، تندخویی، بدبینی، گوشه‌گیری، سردرد، زخم معده و سوء هاضمه در پی دارد. بنابراین؛ سلامت جسم انسان در این حوزه منوط به ازدواج است.

### ۵-۵ تولید و تکثیر نسل

یکی از نتایج ازدواج ابقای نسل بشر است. ابقای نسل، امری با اهمیت است. هدف آفرینش جهان، وجود انسان و تکامل اوست. وجود فرزند صالح در دنیا و آخرت سعادت محسوب شده و این امر از ثمرات ازدواج است. رسول خدا(ص) فرمودند: تزویج کنید تا صاحب فرزند شوید و بر تعداد شما افزوده شود؛ زیرا من در قیامت در برابر سایر امت‌ها به زیاد بودن شما حتی به فرزندان سقط شده شما، مباحثات می‌کنم.

#### ۶-۵ همکاری در اطاعت و نیل به ثواب

انسان مؤمن انتخاب همسر شایسته و موافق خود می‌تواند در طریق انجام وظیفه و سلوک الی‌الله، از همکاری‌های همسر خویش بهره‌مند گردد. ابوذر غفاری پرسید آیا ممکن است هم از مناسبات جنسی همسران خود بهره‌مند شویم و در عین حال پاداش اخروی هم داشته باشیم؟ رسول خدا (ص) به ایشان فرمودند: همانگونه که اگر به صورت غیرمشروع انجام می‌دادی گناه به حساب می‌آمد، حال که مشروع انجام دادی، پاداش اخروی دارد. رسول خدا (ص) می‌فرمودند: «من سعادة المرء الزوجه الصالحه» یکی از عوامل سعادت انسان داشتن همسر شایسته است.

#### ۷-۵ سلامت و امنیت اجتماعی

زمانی سلامت و امنیت در جامعه فراگیر می‌شود که بنیاد خانواده مستحکم باشد و استحکام خانواده زمانی رخ می‌دهد که ازدواج درستی صورت گرفته باشد.

#### ۸-۵ لذتجویی‌های جنسی

یکی از مهم‌ترین فواید و اصلی‌ترین انگیزه‌های نیاز طبیعی ازدواج، کامجویی‌های مشروع جنسی است. همانگونه که در بخش‌های قبلی در پرسش ابوذر از رسول خدا (ص) مطرح شده بود، لذایذ مشروع و زیبا که نفس انسان میل شدید و غریزی با آن دارد، با تمام کیفیت و کمیت‌هایی که برای آن در نظر می‌گیریم، مورد توجه و ترغیب اسلام است. اسلام رهبانیت را قبول ندارد و عمل جنسی را منفور نمی‌شمارد، بلکه در مناسبات جنسی زنان و مردان با یکدیگر، راه‌های فراوانی را متذکر شده تا انسان به بهترین وجه از این ودیعه الهی استفاده کند؛ امری که دانستن آن مهم است، این است که استفاده از مناسبات جنسی در اسلام

همانند دنیا سنجیده می‌شود. همانگونه که دنیا وسیله و مزرعه‌ای برای آخرت است، مناسبات جنسی هم باید با این دید مورد توجه قرار گیرد.

ازدواج و مناسبات جنسی با بالاترین سطح از کیفیت و کمیت اگر در مسیر شرعی و قانونی آن باشد، می‌تواند راهی برای وصل به حق تعالی باشد. رسول خدا(ص) فرمودند: روشنی چشم من در نماز و لذت بردن از زنان است. در برابرش، اگر مناسبات جنسی و ازدواج، در مسیر غیرمشروع قرار گیرد، بزرگ‌ترین عامل تباهی و سقوط انسان به مرتبه پست حیوان خواهد شد. (موسوی پور، ۱۳۹۱)

### ۶. تعریف خانواده در غرب

تعریف خانواده در غرب کاملاً با اسلام متفاوت است، گرچه شاید در گذشته تعریف درستی از خانواده در این جوامع رایج بود. اما در دنیای معاصر تعریفی که از خانواده ارائه می‌دهند، کاملاً با اهداف ازدواج صحیح در تضاد است.

در اسلام هسته‌ی اولیه خانواده از یک مرد و یک زن با عقد زوجیت تشکیل می‌شود، ولی در غرب این معنا و مفهوم ندارد، آنها اعتقاد بر این دارند که لزومی ندارد یک زوج از مرد و زن تشکیل گردد، بلکه می‌تواند دو زن باشد، دو مرد باشد و یا یک زن و یک مرد باشد.

### ۶-۱ همخانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج

ما در تعریف خانواده در اسلام الگوی از خانواده را معرفی نمودیم، در غرب شکل خانواده و الگوی خانواده به صورت دیگری وجود دارد، در اسلام عقد زوجیت در همه جوامع تنها راه تشکیل خانواده به شمار می‌رود، اما با آزادی وسیع که در روابط میان زن و مرد در دهه‌های گذشته در جوامع غربی پدید آمده،

نوع دیگری از روابط کم و بیش پایدار بین زن و مرد در این جوامع رواج یافته و آن عبارت از همخانگی یا زندگی مشترک یک زن با یک مرد بدون ازدواج است.

#### ۶-۲ کمون‌ها یا اجتماعات اشتراکی

این نوع خانواده به این صورت بود که تعدادی از مردان و زنان که با یکدیگر ارتباط جنسی مشترک داشتند و به عبارت دیگر بازگشت به طبیعت و احیای مجدد کمون‌های اولیه ما قبل تاریخ؛ نفی هرگونه سلطه و قدرت در روابط زن و مرد و نفی احساس مالکیت و رقابت از انگیزه‌های اصلی مخالفت این گروه‌ها با نهاد خانواده و گرایش آنان به این الگوی جدید بود. اهمیت و اعتبار اجتماعی کمون‌ها دیری نپایید؛ زیرا این الگو در دستیابی به اهداف مورد نظر توفیق چندانی کسب نکرد. در دو دهه اخیر، حرکتی تدریجی به سمت پذیرش هنجارها و ویژگی‌های ساختاری خانواده سنتی در این اجتماعات اشتراکی مشاهده می‌شود.

(احمدی، ۱۳۹۲)

#### ۶-۳ ازدواج با حیوانات

ازدواج با حیوانات که در قانون ملی آمریکا بصورت آزاد رخ می‌دهد و عنوان آزادی را برای خود گرفته است حتی شناسنامه ازدواج هم صادر می‌کنند! دولت‌های غربی همواره از این نوع ازدواج‌ها نهایت حمایت را به عمل آورده‌اند و قوانین را برای هرچه آسان نمودن این نوع از رفتارهای عجیب، به راحتی تغییر می‌دهند.

در اینگونه از ازدواج‌ها حتی مراسم ازدواج نیز با تمام شرایط یک ازدواج معمولی انجام شده و در بیشتر موارد والدین و خانواده شخص حضور داشته و از کار فرد ابراز خوشحالی می‌کنند!!! این درحالی است که اقدام اینگونه افراد از



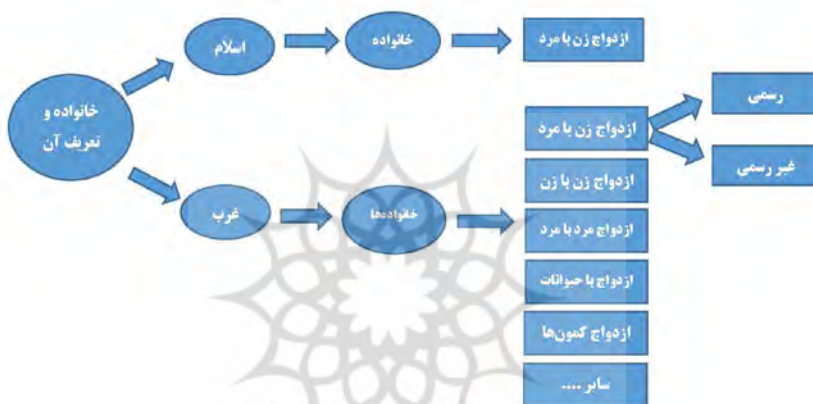
سوی موسساتی که آزادانه و با حمایت همه جانبه دولت کار می‌کنند، حمایت‌های مالی و روانی شده و کار آنان را قانونی و بی عیب و نقص جلوه می‌دهد!

اگرچه هرزگی، ازدواج‌های دیرهنگام و نامتعارف در غرب به یک بحث رایج اجتماعی بدل شده و اقدامات غیراخلاقی به اشکال مختلف بروز می‌کند، اما به نظر می‌رسد دامنه این اقدامات با گذشت زمان وسعت بیشتری به خود گرفته و در حال صعود است؛ چراکه هرروز اخباری از نوع جدیدی از ازدواج به گوش رسیده و با تبلیغات زیادی به سمع و نظر جوانان می‌رسد.

### ۶-۴ الگوهای همجنسگرا

الگوی دیگری در از خانواده غربی می‌توانیم ارائه بدهیم، الگوی زوج‌های همجنس‌باز است، در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای غربی وضعیت به وجود آمده که در طول تاریخ بشر کمتر سابقه داشته است. در این کشورها عده قابل توجهی از زنان و مردان، زوج‌هایی همجنس خود را انتخاب کرده، رابطه‌ای نسبتاً طولانی شبیه روابط زناشویی با آن برقرار می‌کنند. زوج‌های همجنس از جهت زیستی امکان تولید مثل را ندارند، ولی بسیاری از آنان فرزندان متولد از ازدواج‌های پیشین خود را به درون مناسبات همجنس خواهانه می‌آورند و به این ترتیب خانواده‌هایی متشکل از زوج‌های همجنس‌باز و فرزندان تأسیس می‌کنند. در حال حاضر، برخی کشورهای غربی و تعدادی از ایالت‌های آمریکا، ازدواج همجنس‌بازان را به رسمیت شناخته، آنان را از حقوقی نسبتاً مشابه با حقوق مردان و زنان ازدواج کرده، برخوردار کرده‌اند. با این همه، الگوی همجنس‌گرایی، گذشته از عدم مشروعیت دینی، از حیث جایگاه حقوقی نیز حتی در جوامع مثل آمریکا به وضعیت مشخصی نرسیده است. بنابراین در غرب شاید کما بیش

خانواده‌های هسته‌ای، گسترده و... وجود داشته باشد، ولی در موارد زیادی دو الگوی (همخانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج و خانواده‌های همجنس باز) رواج و شیوع بیشتری پیدا نموده است. (احمدی، ۱۳۹۲)



شکل ۱ تعریف خانواده از نظر اسلام و غرب

### ۷. واقعیات ازدواج همجنس‌بازان

همجنس‌بازی نهاد خانواده و وضعیت کودکان را به خطر می‌اندازد. بر اساس این دیدگاه، نهاد ازدواج و خانواده به شکل سنتی از رابطه زناشویی بین زن و مرد به وجود آمده و اجازه ازدواج به زوج‌های همجنس‌باز، نهاد ازدواج و خانواده را بیش‌ازپیش تضعیف خواهد کرد. به گفته اندرسون و سایمون (Ryan T. Anderson & William E. Simon)، محققین بنیاد هریتج (Heritage)، «در دهه‌های اخیر، ازدواج و تشکیل خانواده تضعیف شده است... تعمیم تعریف ازدواج به رابطه بین هم‌جنس یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی است که اخیراً مطرح شده و بنیان خانواده را تهدید می‌کند.»

ازدواج همجنس بازان و رابطه آن با نهاد خانواده، مسئله بسیار مهمی را مطرح می‌کند و آن هم وضعیت کودکانی است که یا به سبب اینکه یکی از والدینشان وارد روابط همجنس‌گرایانه شده است در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند و یا اینکه به فرزندخواندگی زوج همجنس باز درآمده‌اند. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کنند می‌توانند در معرض سوءاستفاده‌های جنسی، مشکلات روانی، هویتی و افسردگی قرار گیرند و در بزرگسالی نیز به دلیل تجربه‌های ناخوش‌آیند کودکی، مشکلات فراوانی را برای خود، اطرافیان و جامعه‌شان به‌وجود آورند. اخیراً پدیده‌هایی به نام «یارگیری برای همجنس‌بازی» مطرح شده که در آن، همجنس‌بازان در قالب فرزندخواندگی کودکانی را که به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند به رفتارهای همجنس‌گرایانه تشویق می‌کنند. این گروه، شعاری را هم برای خودشان دارند که در آن می‌گویند: «از آن جایی که همجنس‌بازان نمی‌توانند تولیدمثل کنند، پس باید یارگیری کنند.» اخبار و آمارهای فراوانی از اعمال سوءاستفاده‌های جنسی مردان همجنس‌باز نسبت به کودکانی که به حضانت خود درآورده‌اند وجود دارد که مخالفان به آن اشاره می‌کنند. (مقیمی، ۱۳۹۵)

### ۸. تغییر سبک زندگی، آسیب‌ها و چالش‌ها

مطالعات نشان می‌دهند که قدمت زندگی به سبک خانوادگی، به ۵۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. از سویی، الگوهای زندگی خانوادگی در اعصار و بخش‌های مختلف دنیا نسبتاً مشابه و حول منشأهای عاطفی می‌چرخد. با این حال، از نیمه دوم قرن بیستم این نهاد در کشورهای غربی و عرفی‌گرا دستخوش تغییراتی است که از نظر جامعه‌شناسان، یکی از پرسرعت‌ترین تغییرات حادث بر یک نهاد اجتماعی است. (مطهری، ۱۳۹۶)



از ویژگی‌های خانواده مطلوب در جامعه مدرن این است که آرمان فرهنگ خانواده همچنان پایدار باشد در حالی که بسیاری از این داشته‌ها به فراموشی سپرده شد و جای خود را به دگرخواهی‌هایی داد که محصولات جامعه مدرن نام گرفت. به طوری که افزایش میزان طلاق که در سال ۱۹۹۶ حدود ۵۰ درصد بود، نیز به ایجاد انواع جدید خانواده کمک کرد. تا جایی که در خلال تغییرات و تحولات، جنبش‌های ضد فرهنگی شکل داد و رهیافت‌های جدیدی در روابط جنسی را خلق کرد که در نتیجه آن، زوج‌های بسیاری بدون ازدواج با هم زندگی می‌کردند. (جلالی، ۱۳۸۸)

قبل از انقلاب صنعتی در غرب، محیط خانواده لطف و صفای ویژه‌ای داشت. مردان برای تأمین معیشت به کارهای خارج می‌پرداختند و زنان تربیت و پرورش کودکان خویش را بر همه چیز ترجیح می‌دادند و فعالیت‌های آنان از محیط خانواده تجاوز نمی‌کرد، اما با صنعتی شدن و ایجاد مراکز صنعتی، اداره‌های دولتی، تجارتخانه‌ها و ... زنان، کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را با مردان سرکش و با دستمزد سنگین ترجیح می‌دادند. پایه‌های خانواده در غرب بر اساس منافع مادی بنا گردیده است و ارزش‌های والای انسانی در خانواده‌های غربی زیر پا نهاده شده است و از کرامت‌های اخلاقی خبری نیست. همچنین ثبات و آرامش که نتیجه روابط خوب است، در خانواده‌ها وجود ندارد، صفا، صمیمیتی که میان اعضای خانواده‌ها در جامعه‌های سنتی دیده می‌شود، در غرب به رویا تبدیل شده است. همچنین در مورد رابطه افراد خانواده در غرب باید گفت که پیوند قلبی پدر و مادر با فرزندان بسیار ضعیف است و زن و مرد مانند دو شریک تجاری در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. رابطه فرزندان با پدر و مادر نیز به گونه‌ای است

که در عمل فرزندان از حیطه خانواده خارج شده‌اند و زمانی که فرزندان به سن قانونی می‌رسند از منزل اخراج می‌شوند و ناچارند خانه پدری را ترک کنند و به تنهایی زندگی کنند و چنانچه فرزندان اجازه یابند که در خانه بمانند، باید مخارج روزانه را بپردازند. به همین دلیل است که فرزندان مخصوصاً دختران در اثر تنهایی و دوری از خانواده و نداشتن یک مربی دلسوز به انواع مفسد آلوده می‌شوند. (عربیان، ۱۳۸۸)

کاهش نرخ موالید، افزایش حضور زنان در بازار کار، افت نگاه‌های سنتی به تقسیم کار خانوادگی زن و مرد، و برعکس، رواج فرزندآوری خارج از ازدواج، از مهم‌ترین اشکال این تغییرات در این کشورهاست. در آمریکا، ۲۰٪ زایمان‌های زنان سفیدپوست و نیمی از زایمان‌ها زنان رنگین‌پوست، بدون ازدواج صورت می‌گیرد. به این ترتیب، روابط پیشا و فراازدواجی، هم‌خانگی، تقاضا برای سقط، پیشگیری از بارداری و رواج قرص‌ها و انواع شیوه‌های آن، ازدواج مجدد، طلاق، حضانت بدون ازدواج، خانواده‌های تک‌والد، همجنس‌گرایی و تقاضا برای مشروعیت ازدواج همجنس‌گرایان، رواج ترک کهنسالان، مصرف مواد مخدر و کاهش نظارت بر فرزندان، از دیگر منشأهای تحول خانواده آمریکایی هستند. وقتی به تاریخ آمریکا نگاه می‌کنیم، این تحولات، در نظر بسیار دهشتناک می‌آیند. آمریکا به دلیل تأکیدی که مذاهب کالوینیستی بر اهمیت تولید اقتصادی داشت، به نهاد خانواده، به عنوان واحد تولیدی سنتی، بها می‌داد. در بسیاری ایالات، مجازات‌هایی مانند شلاق برای روابط جنسی خارج از ازدواج مقرر بود. لذا، این اقتصاد و تولید بود که عامل اهمیت خانواده بود، پس با تغییر سیستم‌های تولید انبوه و تخصصی‌شدن تقسیم کار، خانواده نیز به تدریج حرمت و قداست خود را

از دست داد، به خصوص که دیگر نیازی به کودکان در دنیای ماشینی شده کار نبود و نیازی به تشکیل خانواده برای تولید نسل و بقای جمعیتی احساس نمی‌شد. تعداد خانواده‌های آمریکایی دارای ۶ فرزند یا بیشتر، از نصف در ۱۷۹۰، به ۲۰٪ در ۱۹۳۰ کاهش یافت. یافته‌های مؤسسه پیو (PEW) در سال ۲۰۱۵ نشان‌دهنده افزایش خانواده‌ها تک‌سرپرست، طلاق، ازدواج مجدد، و هم‌خانگی در آمریکاست. در آمریکا چند دهه است که خانواده‌ها هرچه بیشتر هسته‌ای می‌شوند. در حال حاضر، از هر ۱۰ کودک آمریکایی، ۴ کودک نامشروع هستند، یعنی خارج از عقد ازدواج نطفه آنها بسته شده و متولد می‌شوند. این‌ها کودکانی هستند که اغلب با مادر تک‌والد خود و یا با ناپدری یا دوست‌پسر بعدی مادر خود زندگی می‌کنند. عباراتی مانند «زن پدرم»، «دوست‌پسر مادرم»، «پدر فرزندم» و از این قبیل، به همین دلیل در محاوره‌های روزمره آمریکایی‌ها زیاد به گوش می‌خورند. تا اوایل دهه ۶۰، الگوی غالب خانواده آمریکایی، شامل پدر، مادر و فرزندان بود که حاصل اولین و تنها رابطه جنسی والدین خود بودند. این کودکان ۷۳٪ کودکان این دوره را تشکیل می‌دادند که میزان آنها در دهه ۸۰ به ۶۱٪ و در حال حاضر به ۴۶٪ کاهش یافته است. لذا، بیش از نیمی از کودکان آمریکایی در خانواده‌های تک‌والد یا والدین ازدواج‌نکرده زندگی می‌کنند. مطالعه دیگری نشان می‌دهد یک سوم کودکان آمریکایی در طول دوره سه ساله این مطالعه با یکی از حوادث طلاق، جدایی، ازدواج مجدد، یا مرگ در زندگی خانوادگی مواجه بوده‌اند. آمار دولتی نشان می‌دهد از میان مردانی که در دهه ۸۰ ازدواج کرده‌اند، تنها ۷۶٪ هنوز در همان ازدواج به سر می‌برند، میزانی که برای مردانی که در دهه ۵۰ ازدواج کرده‌اند، ۸۸٪ بود. تخمین زده می‌شود نزدیک به ۴۰٪ کودکان آمریکایی با

رسیدن به ۱۲ سالگی، هم‌خانگی مادر خود با مرد غیر از پدرشان را شاهد خواهند بود. یک‌چهارم کودکان کمتر از ۱۸ سال آمریکایی تنها با یک والد خود زندگی می‌کنند، رقمی که در دهه ۶۰، ۹٪ و در ۲۰۰۰، ۲۲٪ بود. ۵٪ کودکان آمریکایی نیز بدون والدین و مثلاً با جد پدری یا مادری خود سر می‌کنند. کودکان با نژاد آسیایی یا سفید به احتمال بیشتر و کودکان دیگر اقلیت‌ها به احتمال کمتری با هر دو والد در اولین ازدواج‌شان زندگی می‌کنند. این امر همچنین به سطح تحصیلات والدین نیز مربوط است، به طوری که هرچه سطح تحصیلات والدین بالاتر است، تداوم زندگی زناشویی آن‌ها نیز بیشتر است. ازدواج‌های مجدد و طلاق منجر به تشکیل خانواده‌های «مخلوط» یعنی خانواده‌های متشکل از یک یا چند عضو ناتنی و یا جد پدری یا مادری شده است. پدیده دیگر ناشی از فرزندآوری خارج از قاعده ازدواج، «بارداری چندسویه» به معنی نوع بارداری زنانی است که با بیش از یک مرد با یا بدون ازدواج در رابطه هستند. ۲۰٪ زنان در شرف یائسگی و ۲۸٪ زنان با ۲ فرزند، در معرض بارداری دوسویه هستند. این پدیده در اقلیت قومی و نژادی مانند هیسپنیک‌ها مرسوم‌تر است. تمامی این شرایط در جامعه آمریکایی که روزگاری مهد حمایت از باورهای دینی در مقابل عرفی‌گرایی اروپایی بوده، عامل ایجاد سمن‌هایی در حمایت از نهاد سنتی خانواده شده است. سه جریان عمده در جامعه مدنی آمریکا حامی خانواده سنتی هستند: گروه‌های سنت‌گرا و محافظه‌کار با حمایت راست مسیحی، رهبران راست مسیحی لیبرال‌تر که خواستار اتحاد با راست‌گرایان دیگر فرقه‌ها هستند و گروه‌های راست مسیحی برای ایجاد تأثیر در فضای گسترده‌تر بین‌المللی. دسته سوم، تداوم همان جریان‌هاست که در گذشته سابقه فعالیت بین‌المللی در قالب میسیونری، حمایت از اسرائیل

و مخالفت با نفوذ کمونیسم را در پرونده داشته است. این سمن‌ها به دلیل ابتنا بر باورهای مسیحی، نهاد خانواده را دارای ریشه‌هایی در خلقت اولیه و لذا لایتنغیر می‌دانند، نهادی که قرار است تنها و تنها متشکل از یک زن و یک مرد و با کارکرد تولیدنسل طبیعی از مسیر ازدواج باشد. این نهادها یک یا چند مورد از این اهداف را سرلوحه فعالیت خود قرار داده‌اند: مخالفت با سقط جنین، همجنس‌گرایی، طلاق و هرگونه عامل مغایر با حفظ شرایط مساعد برای تداوم خانواده سنتی نظیر آموزش روابط جنسی به کودکان و یا پورنوگرافی. سمن‌های عمده آمریکایی حامی خانواده، خود سمن‌های ریز و درشت دیگری با فعالیت‌های در سطح محلی و ایالتی را پوشش داده و اتاق‌های فکر، مراکز تحقیقاتی و مراکز دانشگاهی برای خود دارند. در نهایت، اهمیت ویژه این سمن‌ها، به دلیل ثبت اکثر آنها در سازمان ملل و حمایت‌های مالی گسترده راست مسیحی از آنها، تأثیری است که می‌توانند بر فضای بین‌المللی داشته باشند. این تأثیر می‌تواند به طور مستقیم از طریق سرمایه‌گذاری‌های مالی و آموزشی آنها در دیگر کشورها یا در نشست‌های سازمان ملل و یا به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد گفتمان‌های حقوقی در رد یا حمایت از یک جریان مربوط به خانواده باشد. یکی از مهم‌ترین جریانات از این دست، موج جدید «خانواده همجنس‌گرا» است که نزدیک به یک دهه است در برخی کشورهای غربی شروع شده است. (مطهری، ۱۳۹۶)

در این زمان، خانواده‌های نامتعارفی مثل خانواده‌های تک والدینی و زندگی همجنس‌گراها به پدیده‌ای شایع تبدیل شد. خانواده‌هایی که از هویت واقعیشان تنها یک سقف بالای سر و چهار دیواری آن باقی ماند. جنبش‌های اجتماعی در این برهه همچنان پیشتاز بودند تا اینکه دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ جنبش‌هایی مانند



جنبش حقوق مدنی، آزادی زنان و جنبش آزادی همجنس‌گرایان که همه و همه بهانه‌ای شد برای به بار آمدن نسلی که بیشتر تمایل داشت زندگی پنهانی برای خود بسازد و در آن لاک خودساخته، فرو رود. تحلیل‌ها در همین سال‌ها بیانگر آن بود که بین ۱۴-۶ میلیون کودک، دست کم یک والد همجنس‌گرا داشته باشند. در حال حاضر هم در ایالت‌های پرینستون و ماساچوست همجنس‌گرایان مراسم رسمی اجرا می‌کنند. در طول سال‌های گذشته نیز همجنس‌گرایان مرد و زن و سایر خانواده‌های نامتعارف برای دستیابی به حقوق اجتماعی مانند ازدواج بین دو همجنس، دسترسی به خدمات بارداری، پذیرش والد دوم، حقوق همجنس‌گرایان مرد و زن و مزایای شریک جنسی مبارزات زیادی انجام داده‌اند. به طوری که محافظه‌کاران اجتماعی و کسانی که نسبت به سقوط ارزش‌های خانواده نگران بودند، شیوع همجنس‌گرایی را مغایر با ارزش‌های خانواده دانسته و خواستار محدود شدن آزادی عمل آنها شده‌اند. اما تلاش‌های آنها و آزادی‌های بی حد و حصر دولتمردان در برخی کشورها تا حدی بود که خواسته‌های این افراد را رفته رفته شکل و رنگ جدید بخشید. بنابراین درگیر و دار این تحول خواهی مدرن «خانواده» به دغدغه جدی اخلاق‌گرایان در غرب تبدیل شده است. نتایج آماری نشان می‌دهد که افول خانواده‌های سنتی در غرب جدی است و باید اعتراف نمود، متأسفانه در حال حاضر خانواده در وضعیت نامناسبی قرار دارد. (جلالی، ۱۳۸۸)

## نتیجه‌گیری

از آنچه گفتیم خواستیم به این موضوع برسیم که نهاد خانواده یکی از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین نهادهایی است که اجتماع بشری آن را تجربه کرده، اگر سرمنشأ و فلسفه‌ی وجودی تشکیل نهادها را نیازهای «ساخت یافته» بدانیم به یقین، خانواده نهادی است که یکی از طبیعی‌ترین و پایدارترین نیازهای انسان را به صورتی ساخت یافته و تعریف شده تأمین می‌کند. نیاز به آرامش و سکون و استراحت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است که خداوند متعال با آفرینش زوج و جفتی در کنار انسان، این نیاز او را برآورده کرد و برای اینکه سازوکار ارضای این نیاز قاعده‌مند باشد یک راه را مجاز دانست و آن نهاد «خانواده» است؛ تولید نسل، مراقبت و کنترل و... کارکردهای دیگر خانواده هستند که می‌توان نام برد. در دنیای متغیر امروز، که گویی کمتر چیزی را می‌توان یافت که بدون دگرگونی بماند، تغییر خانواده را هم دربرگرفته و تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد شده است، شاید بتوان به جرأت ادعا کرد که این تغییرات بیشتری تأثیر را بر روی کارکردهای مثبت خانواده نهاده است. متأسفانه دنیای مدرن غرب، امروزه تصاویر جدیدی از خانواده برای ما ارائه داده است. با توجه به قدرت و احاطه مستقیمی که در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در دست این گونه جوامع قرار دارد، ابزارهای مناسبی وجود دارند که هرچه بیشتر در راستای بسط و توسعه این تفکرات عمل کنند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد کشورهای جهان سوم آسیب‌پذیری بیشتری در این زمینه‌ها دارند. به این ترتیب شاهد هستیم که ته مانده تفکرات پوسیده و مخرب غربی، پس از اینکه در جوامع غرب، ثمری جز بی بند و باری، گسترش انواع انحرافات اخلاقی، بی‌ثباتی و انحلال نظام خانواده

نداشت، اکنون ردپایی را در جوامع اسلامی بر جای گذاشته است. در نهایت، نتیجه گرفته می‌شود که در جوامع غربی با تفکرات و اندیشه غربیان از «خانواده» چیزی جز اسم آن و از کارکردهایش جز رسم آن باقی نمانده است. خانواده با کارکرد مثبت، سازنده جوامع انسانی و خانواده با کارکردهای منفی تخریب کننده فرهنگ جوامع خواهد بود. از مقایسه نظام خانواده در فرهنگ اسلام و غرب این نتیجه حاصل می‌شود که بر خلاف ادعاهای غربیان در زمینه آزادی و حقوق بشر و امثال آن، حقوق خانواده در کشورهای غربی پامال گردیده است و خانواده در اثر مشکلات فراوان فرهنگی و اجتماعی، رو به انحلال و نابودی می‌رود. عزت، شرف، حیا و عفت، همه فدای آزادی تقریباً بی حد و حصر و بی بند و باری‌های روزافزون شده‌اند. با این وصف، متأسفانه برخی از زنان و مردان مسلمان فریفته زرق و برق ظاهری فرهنگ غرب شده‌اند و شب و روز تلاش دارند که هرچه زودتر از فرهنگ اروپا و امریکا تقلید کنند! غافل از اینکه پیروی از فرهنگ غرب به معنای خداحافظی با همه ارزش‌های دینی و انسانی یک ملت است. خلاصه آنکه هرچه عزت، شرافت و خوبی است در فرهنگ ناب اسلام محمدی است و در سایه آن سعادت دنیا و آخرت فرد تأمین می‌شود، به خصوص آنکه برنامه‌های تربیتی اسلام جسم و روح آدمی را پرورش می‌دهند و روحیه تعاون، وفاداری و کرامت نفس را در انسان پدید می‌آورند. همه باید سعی نماییم، تا دچار تجربه مجدد آزمون‌های بی‌نتیجه و مهلک غرب نشویم.

## منابع

- ۱- احمدی (۱۳۹۲) کارکردهای خانواده در اسلام و فمینیسم، موسسه فرهنگی بشارت.
- ۲- احسانی، محمد (۱۳۸۹) خانواده و ابعاد مختلف آن، مجله معرفت، شماره ۸۱.
- ۳- بابایی، سید محمد (۱۳۹۲) سبک زندگی اسلامی، روابط عمومی اداره کل تبلیغات اسلامی استان مازندران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴- جلالی، پریسا (۱۳۸۷) همجنس گرایی تلقی شیطانی از زندگی مشترک، مشکلات اجتماعی آفتاب نیوز. عربیان، نسرین (۱۳۸۸) خانواده در غرب و مقایسه آن با اسلام، فرهنگ پژوهش، شماره ۵.
- ۵- خوشفر، غلامرضا؛ محمدی نیا، معصومه (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین ساختار قدرت در نهاد خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی، شماره ۳.
- ۶- رضایی، حسن (۱۳۹۴) ازدواج سفید یا هم باشی سیاه، دو ماهنامه فرهنگی و اجتماعی، پایش سبک زندگی، شماره ۶.
- ۷- سازمان ملل متحد (۲۰۱۲) آزاد و برابر زاده شده ایم، گرایش جنسی و هویت جنسی بر اساس قوانین بین المللی حقوق بشر.
- ۸- صدر طباطبایی، فاطمه (۱۳۸۰) تعریف خانواده از منظر قرآن، پژوهش های قرآنی، ویژه نامه زن در قرآن شماره ۲۷ و ۲۸.
- ۹- قاسمی پاکرو، مصطفی (۱۳۹۱) اصطلاح و مفهوم سبک زندگی، گروه جامعه خبرگزاری مهر. مطهری، زینب سادات (۱۳۹۶) امریکا و نهاد در حال تغییر خانواده، روز جهانی خانواده، مهرخانه.

- ۱۰- موسوی پور، سید محمد حسین (۱۳۹۱) تشکیل خانواده در اسلام، خردنامه هشمهری، شماره ۸۷.
- ۱۱- مقیمی، مرتضی (۱۳۹۵) قانون همجنس‌بازی؛ فراتر از دموکراسی، سایت هادی نیوز، آمریکا پژوهی.
- ۱۲- ناظم زاده، فاطمه (۱۳۸۸) خانواده غربی یا خانواده اسلامی؟، گروه جامعه و سیاست تبیان.

